

## سقط جنین و حقوق بشر در آئینه حقوق بین الملل

امیرحسین مهرگان (L.L.M.)

- دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

### چکیده

مطالعه در مورد مسأله سقط جنین از دریچه حقوق بشر و اظهار نظر علمی درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت آن، مستلزم توجه به این معناست که حقوق بشر، گرایشی از حقوق بین الملل است که مأخذ آن اراده کشورهای است و اصولاً در معاهدات و عرف بین المللی عینیت می یابد. حقوق بین الملل شاخه ای از علم حقوق در مفهوم عام به شمار می رود که ابزاری در دست بشر مدنی الطبع برای نزدیک ساختن اراده ها و تبیین مکافات تخطی از قواعد راجع به نظم عمومی است. امروزه حقوق بشر که معطوف به ارزش های ذاتی انسان بوده و از حیثه اراده کشورها خارج است و صرفاً باید توسط دولتها تدوین و مرعی گردد و بدین اعتبار قابل اعطاء یا حتی اعراض نیست، در اثر تحولات شتابنده جامعه بین المللی، آنچنان مورد توجه قرار گرفته که حقوق در مفهوم عام را متأثر از خود ساخته است. مؤلفه اصلی اسناد تدوین کننده حقوق بشری بین المللی، انسان و حقوق متعلق به ذات اوست؛ بدین سان می توان بر آن بود که انسانیت در مفهوم عام آن مورد نظر حقوق بشر است.

بنیادی ترین حق بشری که فقط در سایه آن امکان برخورداری از سایر حقوق میسر می شود، حق حیات است که در تمامی اسناد مرتبط مورد توجه قرار گرفته است. با این وصف، حقوق بشری در طول یکدیگر قرار نگرفته و تابع سلسله مراتب نیستند؛ بلکه هر یک لازمه، مکمل و در حقیقت مقتضای ذات دیگری هستند. از این روی تمکین در برابر حق انسان بر حیات، فارغ از توجه به سایر حقوق او از قبیل حق اختیار، به منزله نفی ارزش شأن ذاتی موجودی است که خداوند او را بر هیأت خود آفریده است.

توجه به مقوله سقط جنین، امری پیچیده و مستلزم لحاظ قرار دادن تعارض برخی حقوق متعلق به ذات بشر است که مشخصاً عبارتند از: حق جنین، که از نظر علوم پزشکی و زیست شناسی دارای ژنوم انسانی بوده و انسان محسوب می شود، حق حیات و حق زن بر اختیار نحوه زندگی و اصولاً انتخاب روش مادری در جریان حیات خویش است.

علت عدم توجه دقیق غالب اسناد بین المللی حقوق بشری به مسأله بسیار مهم سقط جنین، در حقیقت ریشه در همین تعارضات دارد که در یک تحلیل نهایی واجد آثار محدود کننده ای بر هر دو حق مذکور هستند. تئوری های سیاه و سفید طرفداران و مخالفان سقط جنین که ناشی از نگرش های دگماتیک متافیزیکی یا انسان گرایانه محض به نفع جنین یا مادر است و نمی تواند در حل چنین تعارضی راهگشا باشد؛ زیرا تعارض مورد بحث ناشی از مسائل تئوری نیست؛ بلکه دقیقاً نقطه شروع تقابل واقعیات و حقوق در بعد خاصی از حیات اجتماعی بشر است. علت عدم توجه دقیق غالب اسناد بین المللی حقوق بشری به مسأله بسیار مهم سقط جنین، در حقیقت ریشه در همین تعارضات دارد که در یک تحلیل نهایی واجد آثار محدود کننده ای بر هر دو حق مذکور است. بدین ترتیب گرچه تردیدی در انسان بودن جنین و در نتیجه حق او بر حیات در سیاق حقوق بشر وجود ندارد، با این حال نباید فراموش نمود طبیعت بشر مرکب از عناصر متعارض و تحول یابنده است و از همین روی حقوق بشر را نمی توان فارغ از تعارضات و تحولات محیط بر آن که ناشی از طبیعت و نیازهای ناسوتی اوست، مورد بررسی قرارداد.

بنابراین چنانچه برای درک و برآوردن حداقل نیازهای انسانی گامی برداشته نشود، بشر به حکم اضطرار و به عنوان یک چاره برای تأمین همان نیازهای حداقل، فارغ از ملاحظات اخلاقی و ارزشی، ممکن است مبادرت به نقض حقوق سایر انسانها کند.

**کلید واژگان:** قانون بین الملل، سقط جنین، حقوق بشر، انسانیت، حق حیات.

آدرس مکاتبه: امیرحسین مهرگان، کمیته بین المللی صلیب سرخ، پلاک ۷۵، کوچه تابان شرقی، بین میرداماد و ظفر، خیابان آفریقا، تهران، ایران.

پست الکترونیک: a\_mehrgan@yahoo.com